######

###### **دانشگاه الزهراء**

#### **دانشكده ادبيات، تاريخ و زبان‌ها**

**پايان نامه جهت اخذ درجه كارشناسي ارشد (M.Sc)**

***گرايش زبان‌شناسي همگاني***

**عنوان :‌**

**شبكه قواعد واجي در گويش لري انديمشك:**

**پژوهشي در چهارچوب واج‌شناسي جزءمستقل**

**فصل اول**

**مقدمه**

1-1 درآمد

امروزه مطالعات زبان­شناختي در گوشه گوشه جهان جايگاه برجسته‌اي را به خود اختصاص داده است و در اين ميان بررسي‌هاي واج­شناختي از ديدگاه مختلف نظري مطرح گرديده است. نظريه‌هاي واج‌شناسي موجود در حوزه زبان­شناسي نظري به عنوان مدل‌هايي آرماني زماني مي‌توانند ادعاي خود را به اثبات برسانند كه براساس داده‌هاي برگرفته از زبان‌هاي طبيعي قابل سنجش باشند. براي نيل به اين هدف ناگفته پيداست كه بايستي شواهدي از نظام آوايي زبان‌هاي طبيعي ارائه كرد و با اتكا به اين شواهد صحت و سقم اين نظريه‌ها را محك زد. گونه‌ي زباني كه در اين پژوهش به عنوان يك زبان طبيعي و زنده مورد بررسي قرار مي‌گيرد گويش لري انديمشكي است. مطالعه‌ي نظام واجي اين گويش براساس نظريه واج­شناسي جزءمستقل صورت مي‌گيرد.

1-2- بيان مسئله

زبان پديده‌اي پويا و در حال تغيير است. گويش لري نيز كه يكي از گويش‌هاي زبان‌هاي جنوب غربي ايران مي‌باشد از اين قاعده مستثني نيست. گويش لري خود به زير مجموعه‌هايي تقسيم مي­شود كه هر كدام با گونه‌هاي ديگر تفاوت‌هايي دارد. به دليل همين تفاوت‌هاي گويشي پژوهش­گر مطالعه­ي خود را به گويش لري شهر انديمشك محدود كرده است. حتي در شهر انديمشك نيز گويش سخنگويان هر طايفه با طايفه ديگر تفاوت‌هاي آوايي اندكي دارد كه در اين تحقيق از آن‌ها چشم پوشي شده است، زيرا در غير اين صورت مي‌بايست اين تحقيق در مورد يك طايفه مشخصي انجام مي‌گرفت و حيطه‌ي مطالعه محدودتر مي‌شد. در رابطه با گويش لري به طور كلي تاكنون پژوهش‌هاي زباني اندكي انجام گرفته است و بر روي گويش لري انديمشك تا آنجا كه نگارنده تحقيق كرده است كار زبان­شناختي صورت نگرفته است.

در اين پايان­نامه سعي بر آن است كه نظام آوايي گويش لري انديمشك براساس نظريه‌ي واج­شناسي جزءمستقل مورد بررسي قرار گيرد و پس از تعيين همخوان‌ها و مصوت‌ها براساس آواشناسي نوين به توصيف تك تك اصوات گفتاري اين گويش بپردازيم. توصيف همخوان‌هاي گويش از نظر جايگاه توليد، شيوه‌ي توليد و واك‌داري و توصيف واكه‌ها براساس آن بخش از زبان كه در امر توليد واكه دخيل است، ارتفاع زبان و گردي لب‌ها صورت مي‌گيرد. همچنين ساخت هجايي و خوشه‌هاي آغازي و پاياني مورد بررسي قرار مي‌گيرند و چگونگي توزيع همخوان‌ها در هجا مورد بررسي قرار گرفته و مشخص مي‌شود كه آيا همخوان‌ها در هجا داراي توزيع كامل هستند يا ناقص. در آخر به فرايندهاي آوايي موجود كه صورت واجي را به صورت آوايي تبديل مي‌كنند، پرداخته مي‌شود.

1-3 هدف و اهميت موضوع

باتوجه به اين كه لهجه‌ها و گويش‌هاي يك سرزمين نشانگر غناي فرهنگي آن سرزمين است و هر گويش به نوبه خود داراي گونه‌هاي مختلفي است، جمع‌آوري اين گويش‌ها و پرداختن به مباحث مختلف زبان‌شناختي مرتبط با آنها در شناساندن اين گونه‌هاي زباني به نسل‌هاي بعدي و محققان كمك مي‌كند. پس وظيفه ماست كه با برسي زبان‌ها و گويش‌هاي مختلف سرزمين ايران به غناي فرهنگي و فراهم آوردن زمينه براي مطالعه پژوهش­گران بعدي كمك نماييم. متاسفانه، بر روي لهجه‌هاي محلي موجود در كشور تحقيقات اندكي صورت گرفته است در حالي كه با انجام تحقيق، تتبع، و ثبت لهجه‌هاي محلي و گردآوري آنها مي‌توان فرهنگ جامع و كاملي براي زبان فارسي تهيه كرد و بسياري از نكات باريك و مبهم موجود در زبان شناسي ايراني را روشن ساخت، واژه‌هاي كهن موجود در متون ادب فارسي كه به فارسي دري نرسيده‌اند را شناخت، و از چگونگي تغييرات آوايي صرفي نحوي و معنايي واژگاني كه در اثر گذشت زمان در مناطق مختلف ايران ايجاد مي‌شود آگاه شد و به بازيافت واژه‌هاي فنا شده فارسي كمك كرد.

ثبت گويش‌ها و لهجه‌هاي ايراني در مطالعات رده شناختي زبان نيز مفيد واقع مي‌شود زيرا از اين طريق مي‌توان به طبقه‌بندي گويش‌ها پرداخت و به روابط موجود بين گويش‌هاي مختلف پي برد.

شناخت آداب و رسوم، فرهنگ و باورها و اوضاع اجتماعي مناطق مختلف ايران، ايجاد زمينه مناسب براي انجام مطالعات تاريخي- تطبيقي و بازسازي صورت‌هاي كهن از اهداف ديگر اين گونه بررسي‌هاست. بنابراين در انجام اين پژوهش اهداف زير مدنظر قرار گرفته‌اند:

1- هدف نظري: اين پژوهش بر آن است كه با تكيه بر داده‌هاي يك گونه­ي زباني ايراني بار ديگر كفايت نظريه واج‌شناسي پسازايشي جزءمستقل را محك بزند.

2- هدف كاربردي: با نتايجي كه از اين پژوهش به دست مي‌آيد مي‌توان مواد زباني و شواهد واقعي از يك نظام زبان طبيعي را در دسترس محققان، دانشجويان، مؤسسات علمي، آموزشي و پژوهشي دست‌اندركار زبان در ايران قرار داد تا به جاي داده‌هاي گونه‌هاي زباني غير ايراني هنگام تبيين نظريه‌هاي واج­شناسي، از داده‌هاي واقعي و زنده گونه‌هاي ايراني بدين منظور استفاده گردد. اين پژوهش همچنين مي‌تواند در تهيه‌ي اطلس گويش شناسي مورد استفاده قرار گيرد.

3- هدف توصيفي- فرهنگي: با انجام اين پژوهش گوشه‌اي از ميراث زباني ايران ضبط و توصيف مي‌شود.

1-4 پرسش‌‌هاي پژوهش

در تدوين پژوهش حاضر، پرسش‌هاي كلي زير به عنوان نقطه شروع مدنظر نگارنده بوده‌اند:

1- مجموعه آواهاي گويش لري انديمشك كدامند؟

2- از ميان تجليات آوايي لري گونه انديمشك كدام موارد در سطح بازنمايي زيرين داراي نقش تمايزدهنده هستند؟

3- قواعد واجي گونه لري انديمشك كدامند؟

4- نظام سلسله مراتبي قواعد واجي در لري انديمشك كدام است؟

1-5 فرضيه‌هاي پژوهش

1- لري گونه انديمشك در بخشي از نظام همخواني و واكه‌اي خود بر فارسي معيار منطبق است، اما دسته‌اي از همخوان‌ها و واكه‌هاي خاص خود را نيز دارا مي‌باشد، ضمن آن كه برخي واكه‌ها و همخوان‌هاي فارسي در آن ديده نمي‌شود.